

بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب

یوسف محمدزاده*^۱، صمد حکمتی فرید^۲، کبری میرعلی اشرفی^۳

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه ارومیه

۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه ارومیه

۳. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه ارومیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۷

چکیده

کارآفرینی یکی از کلیدی‌ترین ملزومات توسعه اقتصادی است؛ بنابراین، پژوهشگران همواره به شناسایی تعیین‌کننده‌های توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه توجه داشته‌اند. فضای اقتصادی آزاد و کاهش حجم دولت، بستری برای تقویت کارآفرینی قلمداد می‌شود. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی است. به این منظور، ۵۰ کشور جهان طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ برای نمونه انتخاب شد و از رویکرد پانل پویا و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شد. برای نیل به نتایج قابل‌اعتمادتر، از دو شاخص اندازه‌گیری آزادی اقتصادی بنیاد فریزر و بنیاد هریتیج و همچنین از دو شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) و بانک جهانی استفاده شده است. براساس نتایج، آزادی اقتصادی بستر مناسبی برای ارتقای فعالیت‌های کارآفرینانه ایجاد می‌کند. همچنین، بررسی تأثیر سایر عوامل نشان می‌دهد توسعه انسانی (آموزش، بهداشت و تولید سرانه)، تقویت اثربخشی دولت و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی دارد. در نتیجه، به منظور ایجاد بستری مناسب برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، باید موانع موجود برای شروع کسب‌وکار مانند زمان لازم برای اخذ مجوز و بوروکراسی برطرف شوند. کاهش محدودیت‌ها در بازارهای مالی و پولی، تجارت و سرمایه‌گذاری نیز ممکن است موجب تقویت کارآفرینی شود. کاهش حضور دولت در اقتصاد و التزام به رعایت حقوق مالکیت و همچنین کنترل فساد و ایجاد شفافیت از دیگر ضرورت‌ها در این زمینه است.

واژه‌های کلیدی: آزادی اقتصادی، توسعه کارآفرینی، دخالت دولت، کارآفرینی.

مقدمه

امروزه رشد و توسعه اقتصادی در بستری از رقابت‌ها، تحولات جهانی، چرخه‌های رکود و رونق، وقایع سیاسی و امنیتی، تهدیدها و تحریم‌ها، دسترسی به منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و بسیاری از شرایط دیگر صورت می‌گیرد. در این تعاملات، اقتصادهایی توان ادامه حیات دارند که اولاً متکی به نیروهای درونی خود باشند و ثانياً، قابلیت تطبیق با این تحولات سریع را داشته باشند. تحولات داخلی و جهانی در برخی از اقتصادها به‌ویژه اقتصاد ایران، با توجه به شرایط اقتصاد سیاسی ویژه عمیق‌تر و گسترده‌تر است. بحران بیکاری و مطالبات اشتغال‌های دولتی موجب ایجاد بحران‌های عمیق اقتصادی-اجتماعی در اقتصاد شده است. در این میان، کارآفرینی یکی از محورهای توسعه درون‌زا، تولید اشتغال گسترده و پایدار و ایجادکننده اقتصادی مقاوم و پویاست.

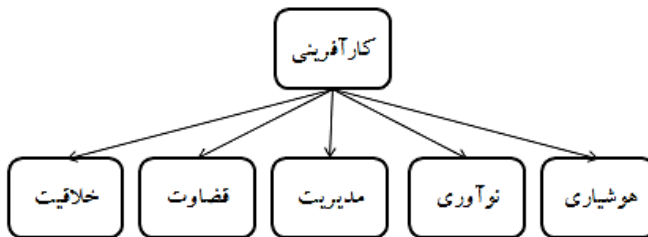
براساس نظریه‌های نوین اقتصادی، تغییر ایده‌ها و خلق نوآوری‌ها پایه اصلی توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و کارآفرینی بارزترین ابزار برای رساندن جامعه به این مقصود است (Sziirmai et al., 2011). کارآفرینی عامل بسیار مهمی برای دستیابی به رشد اقتصادی است (Urbano & Aparicio, 2016). یکی از محورهای رشد اقتصادی، ارتقای بهره‌وری است و به نظر دریک^۱ افزایش بهره‌وری به عمل کارآفرینانه بستگی دارد (مقیمی، ۱۳۸۳). برخی کارآفرینی را یکی از منابع پایان‌ناپذیر جوامع بشری قلمداد کرده‌اند که به خلاقیت انسان‌ها مربوط است و ارزش بسیاری دارد (صباحی و همکاران، ۱۳۹۲).

افزایش کارآفرینی در جامعه مستلزم ایجاد زمینه‌های آن است و در این میان وجود شرایط مناسب برای توسعه کارآفرینی اهمیت بسیاری دارد. عوامل و شرایط مناسب برای کارآفرینان از سه بعد منابع در دسترس، راهبردها و اهداف کارآفرینان و تهدیدات و فرصت‌های محیط اقتصادی قابل بررسی است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۱). در هر جامعه‌ای، افراد خلاق و نوآور وجود دارد که انگیزه‌هایی مانند حرص، بلندپروازی، کنجکاو و دیگرخواهی آن‌ها را به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه سوق می‌دهد. حال اگر بستر مناسبی برای آن‌ها فراهم شود، نوآوری و کارآفرینی به‌شدت گسترش می‌یابد.

در فضای رقابت گسترده بین‌المللی امروز، فقط کارآفرینی و خلاقیت می‌تواند عامل موفقیت یک بنگاه باشد. با توجه به فضای آزادتر حاکم بر بازارهای بین‌المللی، هر اندازه در بازارهای داخلی دخالت و محدودیت‌های بیشتری حاکم شود، بنگاه‌ها آمادگی کمتری برای فعالیت در بازارهای جهانی به دست می‌آورند. البته در مورد تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی، همه مطالعات در یک راستا نیست که ممکن است به تعاریف مختلف از آزادی اقتصادی و همچنین کارآفرینی مربوط باشد. از این رو، پژوهش حاضر از تعاریف و شاخص‌های مختلفی برای آزادی اقتصادی استفاده کرده است. در نتیجه، هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه با رویکردی جامع‌تر با استفاده از داده‌های پانلی نمونه‌ای از کشورهای منتخب جهان است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اهمیت واقعی کارآفرینی در تئوری‌های اقتصادی به خوبی بیان نشده است (Baumol, 1968)، در حالی که کارآفرین با توجه به شخصیت‌سازی نیروهای بازار از مسیرهای متعدد، مهم‌ترین بازیگر اقتصاد مدرن محسوب می‌شود (Lazear, 2004). در ادبیات مدیریتی، افرادی مانند بگلی و بوید (۱۹۸۷) و لامپکین و دس (۱۹۹۶) کارآفرینی را با خلاقیت، جسارت و تخیل همراه می‌دانند. ایده دیگر را شومپتر^۱ (۱۹۱۱) بیان کرده است که کارآفرین را یک نوآور می‌داند. کارآفرین با ایجاد ترکیبات جدید، اقتصاد را از تعادل اولیه به مسیری نوین انتقال می‌دهد (Wong et al., 2005). در نهایت، کارآفرین کسی است که در مورد طیف وسیعی از نتایج و شرایط نااطمینان آینده، تصمیم‌سازی و قضاوت می‌کند (Knight, 1921). به این ترتیب، می‌توان مفهوم کارآفرینی را به صورت نمودار زیر بیان کرد:



نمودار ۱. ادبیات مفهوم کارآفرینی

دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۱ فعالیت‌های کارآفرینانه را سنجش و ارزیابی می‌کند که بر سه محور گرایش‌ها و ادراکات (دیدگاه عموم، درک قابلیت‌ها و فرصت‌ها و رویارویی با شکست)، فعالیت‌ها (راه‌اندازی یا مدیریت کسب‌وکار جدید شامل کارآفرینی نوظهور، نوپا، نوپا-فرصت‌گرا، نوپا-اجباری، تثبیت‌شده و خروج از کسب‌وکار) و اشتیاق (جهت‌گیری‌های سیاستی برای اشتغال‌زایی) استوار است (مدرسی عالم و داودی، ۱۳۹۳).

مفهوم آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی خود است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند (سامتی، ۱۳۸۵). معروف‌ترین شاخص‌های آزادی اقتصادی در سطح بین‌المللی شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر^۲ و شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج^۳ است. شاخص آزادی اقتصاد فریزر شامل پنج مورد حجم و اندازه دولت (مصرف دولت درصدی از GDP، حجم یارانه‌ها، سرمایه‌گذاری دولت و نرخ‌های مالیات بر درآمد و حقوق)، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت (استقلال از دستگاه قضایی، حمایت از مالکیت معنوی، دخالت نظامی و یکپارچگی دستگاه قضایی)، دسترسی به نقدینگی سالم (رشد نقدینگی، آزادی مالکیت ارزهای خارجی، تغییرات تورم)، آزادی تجارت خارجی (مالیات و تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری قانونی، تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، کنترل بازار سرمایه و حجم بخش تجارت) و قوانین مالی و بازار کار (میزان مشارکت بانک‌ها، محدودیت نرخ سود بانکی، سهم سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی، محدودیت در قوانین دستمزد و اخراج نیرو و سهم اشتغال‌زایی دولت) می‌شود. همچنین، اندازه‌گیری آزادی اقتصادی از سوی مؤسسه هریتیج، از طریق شاخص‌های آزادی کسب‌وکار، آزادی نیروی کار، آزادی تجاری، آزادی مالیاتی، آزادی از مداخله دولت^۴، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت و آزادی از فساد انجام می‌گیرد.

افراد پتانسیل‌های خود را در یک محیط آزاد کلان اقتصادی شکوفا می‌کنند. در واقع، فضای آزاد اقتصادی افراد را برای سرمایه‌گذاری در افزایش مهارت‌های کارآفرینانه تشویق می‌کند،

1. Global Entrepreneurship Monitor
2. Fraser Institute
3. Heritage Foundation

۴. ۲ (مخارج مصرفی کشور) α - ۱۰۰ = آزادی از مداخله دولت که در آن α برابر ۰/۰۳ است.

(Sobel et al., 2007). کشورهایی با سطوح آزادی اقتصادی بیشتر، میزان بالاتری از آزمایش - خطا را نیز تجربه می کنند. افراد اجازه پیدا می کنند ایده های منحصر به فرد و دیوانه وار خود برای تولید محصولات جدید امتحان کنند. در چنین فضایی، سطوح بیشتری از شکست در کسب و کار اتفاق می افتد، ولی از چند میلیون تلاش سرمایه گذاری، شرکت های بزرگی مانند ماکروسافت^۱ و اپل^۲ نیز متولد می شود.

آزادی اقتصادی و در مقابل، محدود شدن دخالت دولت از کانال های مختلفی بر توسعه کارآفرینی تأثیر می گذارد. اقتصاددانان کلاسیک - لیبرال، دخالت دولت در اقتصاد از طریق مصرف و توزیع به واسطه طرح های پرداخت انتقالی، سرمایه گذاری عمومی و اعمال مالیات های نهایی را مانعی برای رشد اقتصادی و فعالیت های کارآفرینانه می دانند (Bjørnskov & Foss, 2008). وقتی حجم دولت بزرگ باشد، به بودجه بیشتری نیاز است. این مخارج از ناحیه تولید دولتی، فروش منابع طبیعی و اخذ مالیات قابل تأمین است. با توجه به ناکارایی بخش دولتی، تجربه نشان می دهد که امکان سودآوری بخش دولتی در سطح گسترده بسیار کم است. همچنین، اتمام تدریجی منابع تجدیدناپذیر مانند منابع نفتی و گاز و مواد معدنی، شوک های قیمتی این منابع و بازارهای ناطمینان آن از جمله مشکلات اتکا به منبع دوم است. در نهایت، با بزرگ شدن اندازه دولت، حجم بخش خصوصی در اقتصاد کاهش می یابد؛ بنابراین، تأمین مالی دولت بزرگ بر دوش بخش خصوصی سنگینی می کند. با توجه به ماهیت غیرکاهش مخارج دولت، در صورت بروز مشکل در منابع درآمدی غیرمالیاتی دولت، ممکن است اقتصاد یک جامعه وارد بحران شود. همچنین، بالا بودن سطح مالیات ها موجب می شود خدمات مرتبط با خانوارها از دسترس کارآفرینان خارج شود.

کانال دیگر تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر کارآفرین به ارتباط آزادی اقتصادی با حفاظت از حقوق مالکیت مربوط می شود. وقتی افراد نتوانند به درستی صاحب آفریده خود باشند، ممکن است هرگز به فعالیت های نوآورانه دست نزنند (North, 1990; Barzel, 2005). آزادی اقتصادی ارتباط نزدیکی با ساختار نظارتی جوامع و بوروکراسی اداری دارد. وجود قوانین متعدد و نظارت های بیش از حد فشارهایی را بر بنگاه ها به ویژه بنگاه های تازه تأسیس وارد

1. Microsoft
2. Apple

می آورد که مانع از ادامه کار آن‌ها می شود (Kirzner, 1985). یکی از مسائل اساسی کشورهای درحال توسعه، وجود انواع قوانین بهداشتی، زیست محیطی، شهرسازی، حقوق شهروندی و... مشابه کشورهای توسعه یافته است. هرچند این قوانین به ظاهر درستند، اولویت‌های توسعه جزء لاینفک مسیر پیشرفت جوامع است.

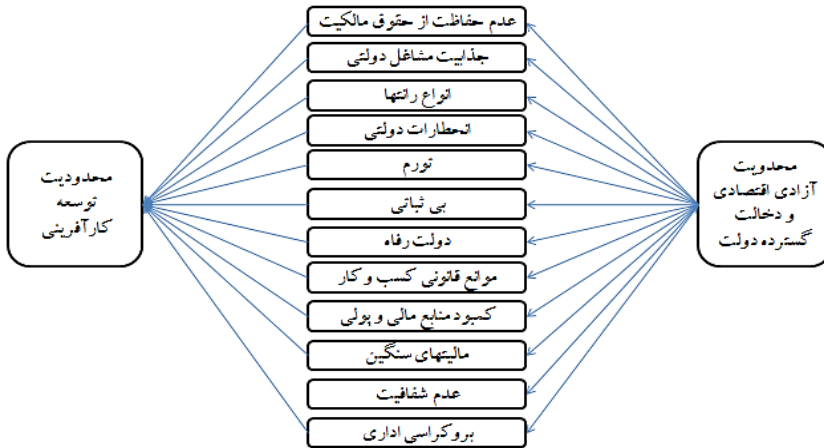
نکته مهم دیگر، وجود پول نامناسب و به ویژه نرخ و نوسان تورم است. پیش‌بینی‌های مربوط به قیمت‌های نسبی آتی برای کارآفرینان اهمیت زیادی دارد. تورم به عنوان بی‌ثباتی در اقتصاد، آثار پیام‌دهی قیمت‌های نسبی را از کار می‌اندازد (Kirzner, 1997). تورم موجب انتقال منابع مالی به سمت بخش غیرمولد مانند زمین، مسکن، ارز و فلزات قیمتی می‌شود و منابع سایر بخش‌ها را محدود می‌کند؛ بنابراین، تورم موجب رکود اقتصادی می‌شود (Barro, 2013).

یکی دیگر از کانال‌های تأثیر حضور گسترده دولت بر توسعه کارآفرینی این است که محدودیت در آزادی‌های اقتصادی و نظارت‌های شدید، انگیزه افراد را برای ورود به فعالیت‌های رانت‌جویانه به جای کارآفرینی تشدید می‌کند. درحقیقت، فساد و رانت در بخش عمومی و دولتی معنی واقعی پیدا می‌کند (Themudo, 2014; Kotera et al., 2012). وقتی نزدیک شدن به منابع رانت و فساد موجب موفقیت‌های اقتصادی شود، آن‌ها تشویق می‌شوند از تنش‌های تولید و کارآفرینی دور شوند و به این فعالیت‌ها رو آورند.

کانال دیگر تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر کارآفرینی به این حقیقت مهم مدیریت کلان جامعه مربوط می‌شود که حضور گسترده دولت در اقتصاد با بی‌ثباتی همراه است (Gali, 1994; Afonso & Furceri, 2010). وقتی قوانین و برنامه‌های کلان اقتصادی با تغییر دولت‌ها تغییر یابد، اعتماد کارآفرینان به آینده تضعیف می‌شود و برنامه‌ریزی بخش خصوصی دچار مشکل می‌شود. این مسئله در زمینه فعالیت‌های دیربازده اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به‌طور عمده بسیار سودمندتر از پروژه‌های زودبازده هستند.

درمورد سایر موانع که موجب محدود شدن آزادی اقتصادی و حضور گسترده دولت در اقتصاد می‌شود می‌توان به نبود شفافیت در انواع بازارها (Kopits & Craig, 1998)، محدود شدن منابع پولی و مالی در اقتصاد و در نتیجه برای کارآفرینان (Islam, 2014; Aidis et al., 2012)، جذابیت مشاغل دولتی برای نخبگان و در نتیجه تمایل نداشتن آن‌ها به ریسک و کارآفرینی،

مشارکت‌نداشتن و واردنشدن سرمایه‌گذاران خارجی و در نتیجه کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه اشاره کرد (Kapuria, 2007). در نمودار ۲، کانال‌های تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی به‌طور خلاصه ارائه می‌شود.



نمودار ۲. کانال‌های تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی

منبع: یافته‌های نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، در زمینه رابطه آزادی اقتصادی و کارآفرینی بررسی‌هایی صورت گرفته است. حال و سوبل (۲۰۰۶) در پژوهشی کارآفرینی را واسطه اصلی برای رشد اقتصادی و توسعه منطقه‌ای معرفی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند آزادی اقتصادی و کنترل و قاعده و قانون کمتر کارآفرینی را گسترش می‌دهد. سوبل و همکاران (۲۰۰۷) نشان داده‌اند جسارت برای سرمایه‌گذاری‌های جدید-در نتیجه آزادی اقتصادی- با شکست همراه است، ولی موجب توسعه کارآفرینی می‌شود.

مکمولن و همکاران (۲۰۰۸) با بررسی داده‌های مربوط به ۳۷ کشور جهان به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های آزادی اقتصادی (براساس گزارش بنیاد هریتیج) بر هر دو فعالیت کارآفرینی بر مبنای فرصت^۱ و کارآفرینی بر مبنای ضرورت^۲ (براساس شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی) اثر مثبت دارد. همچنین، نایستروم (۲۰۰۸) با بررسی رابطه بین آزادی اقتصادی و

1. Opportunity-motivated
2. Necessity-motivated

کارآفرینی در ۲۳ کشور OECD به این نتیجه رسیده است که دولت کوچک تر و آزادی اقتصادی بیشتر یعنی آیین نامه و قانون کمتر و کسب و تجارت بیشتر که از نتایج رونق کسب و کار است، موجب افزایش کارآفرینی می شود.

بورنسکو و فوس (۲۰۰۸) در پژوهش های خود از داده های آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر استفاده کرده اند. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد همبستگی معنی دار بین آزادی اقتصادی و کارآفرینی وجود ندارد، اما اندازه دولت مانع جدی برای توسعه فعالیت های کارآفرینانه محسوب می شود.

فریدمن (۲۰۱۱) در پژوهش خود ارتباط میان اثر موانع بیش از حد در فعالیت های اقتصادی (محدودیت در آزادی اقتصادی) را بر کارآفرینی بررسی کرده و نتیجه گرفته است ارتباطی معنی دار و منفی میان کنترل بیش از حد اقتصادی و کارآفرینی وجود دارد. ویزمن و یانگ (۲۰۱۱) در مطالعه خود از داده های ایالتی برای تولید داخلی سرانه در آمریکا، از شاخص آمریکای شمالی برای آزادی اقتصادی و همچنین از نمرات مولد و غیرمولد سوبل (۲۰۰۸) برای کارآفرینی استفاده کرده اند. نتایج آنها بیان می کند آزادی اقتصادی از طریق بهبود کارآفرینی، تولید داخلی سرانه را افزایش می دهد.

چاری و دیکسیت (۲۰۱۵) با استفاده از یک نمونه بزرگ از شرکت هایی که در هندوستان شروع به کار کرده اند، نتیجه گرفته اند احتمال شروع تجارت رسمی از سوی گروه های تجاری با توسعه سیاست های خصوصی سازی و با حضور شرکت های خارجی بیشتر است.

هررا-اچوری و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه ای برای ۸۷ کشور با درآمد بالا، با درآمد پایین و اقتصادهای نوظهور تأثیر آزادی اقتصادی، کیفیت نهادها و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر فعالیت های کارآفرینانه را با استفاده از داده های بانک جهانی بررسی کرده اند و نتیجه گرفته اند آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معنی دار بر تمایل به شروع کسب و کارهای جدید دارد. شیماندان^۱ (۲۰۱۵) با بررسی تأثیر محیط آزاد کسب و کار بر توسعه کارآفرینی در رومانی به این نتیجه رسیده است که رابطه مستقیم و قوی بین آزادی اقتصادی و سطح کارآفرینی وجود دارد.

کرنوگا و هنیگ^۲ (۲۰۱۶) در بررسی خود با استفاده از داده های ۲۴ کشور با درآمد بالا

1. Şimandan

2. Crnogaj & Hojnik

برای دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۰ به این نتیجه رسیدند که آزادی اقتصادی در زمینه نهادی تأثیر مثبت بر توسعه کارآفرینی تولیدی دارد. همچنین، آن‌ها دریافتند تصمیم فردی برای کارآفرینی به‌طور شایان توجهی به هنجارهای فرهنگی و نرم‌های اجتماعی مربوط می‌شود.

با مرور مطالعات تجربی حوزه تعیین‌کننده‌های کارآفرینی، نتایج اغلب مطالعات بیان می‌کند فضای آزاد اقتصادی، دخالت کمتر دولت در اقتصاد، مقررات زدایی و جهانی شدن اقتصاد، زمینه مناسبی را برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌کند. البته در برخی بررسی‌ها به آثار منفی خارجی آزادی اقتصادی تضعیف صنایع داخلی در رقابت با شرکت‌های چندملیتی، ادغام شرکت‌ها و در نتیجه تضعیف شرکت‌های کوچک (Obokoh & Asaolu, 2012)، محدودیت‌های رقابت (Martin, 2004)، تشدید نابرابری و بی‌عدالتی (Choy, 2013؛ Apergis, 2015)، تخریب محیط‌زیست (Shahbaz et al., 2015؛ McAusland, 2010) و... اشاره شده است. از این‌رو، نتیجه نهایی فقط با مطالعه تجربی با رویکرد جامع از شاخص‌ها مشخص می‌شود که ضرورت و اهمیت مطالعه حاضر را بیشتر نمایان می‌سازد. به این ترتیب، پرسش اصلی مطالعه حاضر این است: اگر برای شاخص آزادی اقتصادی و کارآفرینی از تعاریف و رویکردهای محاسباتی مختلف بهره گرفت، می‌توان آزادی اقتصادی را بستری برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینی دانست؟ آیا توسعه انسانی، اثربخشی دولت و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب تقویت کارآفرینی در جوامع مورد بررسی می‌شود؟

روش تحقیق

براساس الگوهای اقتصادسنجی، وقتی داده‌ها در طول زمان و برای مقاطع مختلف تولید شود، در اصطلاح به آن‌ها داده‌های تابلویی یا پانل گفته می‌شود. داده‌های تابلویی مزایای بسیاری نسبت به داده‌های مقطعی یا سری زمانی دارند؛ مانند محدود شدن وجود واریانس‌های ناهمسان، تغییرپذیری بیشتر، درجه آزادی و کارایی بیشتر و برآورد مدل‌های رفتاری پیچیده‌تر (ابریشمی، ۱۳۹۱). البته اقتصاددانان اغلب به دنبال بررسی پویایی در روابط اقتصادی هستند. در داده‌های پانل نیز امکان بررسی روابط پویا با رویکردهای مختلف وجود دارد که یکی از روش‌های مناسب، رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)^۱ است. روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

1. Generalized method of moments

(GMM) را هانسن (۱۳۸۲) توسعه داد که چارچوب بهتری را برای به دست آوردن تخمین‌هایی با کارایی مجانبی فراهم می‌سازد.

مطالعه حاضر برای ۵۰ کشور منتخب جهان^۱ و برای سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۳ انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به کمک داده‌های تابلویی پویا و با استفاده از روش GMM صورت گرفته است. برای این کار از نرم‌افزارهای STATA12 و Eviews6 بهره گرفته شده است.

در روش GMM به مشخص بودن توزیع جزء اخلاص نیازی نیست و فقط وجود شروط گشتاوری به منظور تخمین مدل کافی است. تخمین مدل‌های داده‌های تابلویی دینامیک فقط در قالب این روش قابل اجراست. در مدل‌های اقتصادسنجی رابطه پویایی از طریق وارد شدن وقفه یا وقفه‌هایی از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی در مدل مشخص شده است (Baltagi, 2005). به این ترتیب، امکان پارامتربندی مجدد مدل به روش داده‌های تلفیقی پویا به وجود می‌آید و کشش‌های کوتاه مدت امکان پذیر می‌شود. تکنیک تخمین در روش GMM بسطی از تکنیک گشتاوری است که به مدل‌های دیگری فراتر از رگرسیون خطی تعمیم یافته است.

همچنین، در روش GMM برای سنجش اعتبار نتایج و متغیرهای استفاده شده در مدل از دو آزمون سارگان^۲ و آزمون خودهمبستگی باند^۳ استفاده می‌شود. رد فرضیه صفر در این آزمون‌ها به معنی نامعتبر بودن ضرایب است که با توجه به ارزش احتمال آن‌ها در مدل‌های برآوردی رد نشده است.

بر اساس مطالعات نظری و تجربی مانند مطالعات هررا-اچوری و همکاران (۲۰۱۴) و نیستروم (۲۰۰۸)، علاوه بر آزادی اقتصادی، توسعه انسانی، کیفیت نهادها و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی از جمله مهم ترین متغیرهای مؤثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه است. برای برآورد و استنتاج نتایج از چهار مدل به صورت زیر استفاده می‌شود:

۱. این مطالعه با رویکرد بررسی همه کشورهای جهان انجام گرفته است تا از تفاوت کشورهای چشم‌پوشی شود و نتایج قابل اعتمادتری حاصل شود. با توجه به محدودیت داده‌های موجود، نمونه نهایی از این منظر شامل کشورهای آذربایجان، آرژانتین، برزیل، چین، مصر، مجارستان، هند، ایران، عراق، مالزی، مکزیک، نیجریه، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، ترکیه، اوکراین، ونزوئلا، اندونزی، استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، شیلی، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا می‌شود.

2. Sargan
3. Band

$$LTEA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LFree_{it} + \beta_2 LHDI_{it} + \beta_3 LGovef_{it} + \beta_4 LFDI_{it} + U_{it}$$

$$LNewden_{it} = \beta_0 + \beta_1 LFree_{it} + \beta_2 LHDI_{it} + \beta_3 LGovef_{it} + \beta_4 LFDI_{it} + U_{it}$$

$$LNewden_{it} = \beta_0 + \beta_1 LFree_{it} + \beta_2 LHDI_{it} + \beta_3 LGovef_{it} + \beta_4 LFDI_{it} + U_{it}$$

$$LTEA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LFree_{it} + \beta_2 LHDI_{it} + \beta_3 LGovef_{it} + \beta_4 LFDI_{it} + U_{it}$$

در این مدل‌ها، LTEA شاخص کارآفرینی GEM، LNewden شاخص کارآفرینی بانک جهانی، LFreedom2 میانگین شاخص‌های آزادی اقتصادی بنیاد فریزر، LFreedom1 میانگین شاخص‌های آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، LHDI شاخص توسعه انسانی (منبع داده‌ها: گزارش ۲۰۱۵ برنامه توسعه سازمان ملل UNDP^۱)، LGovef اثربخشی دولت (منبع داده‌ها: گزارش ۲۰۱۵ شاخص‌های جهانی حکمرانی WGI^۲) و LFDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (منبع داده‌ها: گزارش سال ۲۰۱۶ شاخص‌های توسعه بانک جهانی WDI^۳) است.

آزمون مانایی

قبل از تخمین و برآورد مدل‌ها، وجود داشتن یا وجود نداشتن ریشه واحد در متغیرها با استفاده از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چاو و در نرم افزار Eviews بررسی شده است. نتایج آزمون در جدول ۱ نشان‌دهنده وجود نداشتن ریشه واحد در متغیرهای مورد استفاده است؛ بنابراین، می‌توان در مورد وجود نداشتن رگرسیون کاذب اطمینان بیشتری داشت.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد (لوین، لین و چاو)

متغیرها	آماره آزمون	ارزش احتمال
LTEA	-۱۰/۳۶۸۴	۰/۰۰۰۰
Lnewden	-۲۰/۰۳۷۴	۰/۰۰۰۰
Lfree1	-۶/۷۱۶۱۱	۰/۰۰۰۰
Lfree2	-۳/۷۶۳۴۹	۰/۰۰۰۱
LHDI	-۱۷/۷۷۸۵	۰/۰۰۰۰
Lgovef	-۱۷۲/۹۷۲	۰/۰۰۰۰
LFDI	-۵/۸۰۱۲۱	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

1. United Nations Development Programme
2. Worldwide Governance Indicators
3. World Development Indicators (World Bank)

یافته‌ها

آزادی اقتصادی و توسعه کارآفرینی (GEM)

نتایج برآورد مدل‌های مربوط به برآورد تأثیر شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر بر شاخص توسعه کارآفرینی GEM در جدول ۲ می‌آید. شاخص آزادی اقتصادی هریتیج در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص کارآفرینی دارد. افزایش یک درصد در شاخص آزادی اقتصادی موجب بهبود ۱/۷۳ درصدی شاخص کارآفرینی در نمونه مورد بررسی شده است. در نتیجه، نمی‌توان فرضیه اصلی مطالعه حاضر مبنی بر تأثیر مثبت آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی از تعریف GEM را رد کرد.

جدول ۲. آزادی اقتصادی و توسعه کارآفرینی (GEM)

متغیر	آزادی اقتصادی هریتیج	آزادی اقتصادی فریزر
LTEA(-1)	۰/۰۷۹ (۴/۱۳)*	۰/۰۰۵ (۰/۸۵۲)
Lfree1	۱/۷۳ (۶/۰۱)*	-
Lfree2	-	-۰/۶۸ (-۱/۶۲)
LHDI	۸/۳۲ (۹/۵۶)*	۷/۴۹ (۲۴/۹۵)*
Lgovef	۰/۵۴ (۳/۷۴)*	۱/۰۲۷ (۹/۷۶)*
LFDI	۰/۰۳۷ (۳/۹۶)*	۰/۰۳ (۲/۳۵)*
خودهمبستگی مرتبه اول	prob(z): ۰/۰۲ و z: -۲/۳۱	prob(z): ۰/۰۲ و z: -۲/۴۲
خودهمبستگی مرتبه دوم	prob(z): ۰/۱۹ و z: -۱/۲۹	prob(z): ۰/۲۲ و z: -۱/۲۲
سارگان	prob(chi2): ۰/۷۰ و chi2: ۲۲/۸۱	prob(chi2): ۰/۵۹ و chi2: ۲۲/۶۰

* سطح معنی‌داری ۱ درصد ** سطح معنی‌داری ۵ درصد *** سطح معنی‌داری ۱۰ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به معنی‌داری (در سطح اطمینان ۹۹ درصد) لگاریتم شاخص توسعه انسانی (با ضریب ۹/۵۶ و ۲۴/۹۵)، لگاریتم اثربخشی دولت (با ضریب ۳/۷۴ و ۹/۷۶) و لگاریتم جذب سرمایه‌گذاری

خارجی (با ضریب ۳/۹۶ و ۲/۳۵) در هر دو مدل، این شاخص‌ها در توسعه کارآفرینی تعیین‌کننده هستند. آزمون سارگان هر دو مدل با آماره‌های ۲۲/۸۱ (با احتمال ۰/۷۰) و ۲۲/۶۰ (با احتمال ۰/۵۹) و همچنین آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم باند با مقادیر ۱/۲۹- (با احتمال ۰/۱۹) و ۱/۲۲- (با احتمال ۰/۲۲) معتبر بودن متغیرهای مورد استفاده را تأیید می‌کند.

با توجه به مقدار ضرایب این سه شاخص می‌توان گفت بهبود توسعه انسانی و در مرحله دوم اثربخشی دولت بیشترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی داشته است.

آزادی اقتصادی و توسعه کارآفرینی (بانک جهانی)^۱

همان‌طور که در قسمت روش مطالعه ذکر شد، برای حصول به نتایج قابل‌اعتمادتر در این مطالعه از تعاریف مختلف هم آزادی اقتصادی و کارآفرینی بهره گرفته شده است. در جدول ۳، نتایج برآورد مدل تأثیر آزادی اقتصادی بر شاخص کارآفرینی با تعریف بانک جهانی ارائه شده است. با توجه به معنی‌داری ضریب شاخص‌های آزادی اقتصادی در سطح ۹۹ درصد، بهبود یک درصدی در شاخص آزادی اقتصادی با تعاریف هریتیج و فریزر به ترتیب به میزان ۱/۳۳ درصد و ۰/۸۸ درصد موجب ارتقای توسعه کارآفرینی شده است.

ضرایب شاخص توسعه انسانی (با ضریب ۷/۶۷ و ۱۴/۹۸)، اثربخشی دولت (با ضریب ۹/۰۶ و ۳/۲۵) و جذب سرمایه‌گذاری خارجی (با ضریب ۱/۸۵ و ۷/۰۱) در این جدول نیز در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار بوده‌اند. این نتایج بر تعیین‌کنندگی شاخص‌های یادشده در توسعه کارآفرینی تأکید می‌کند. همچنین، نتایج این جدول بیان می‌کند بهبود توسعه انسانی بیشترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی داشته است.

آزمون سارگان هر دو مدل با آماره‌های ۲۲/۷۴ (با احتمال ۰/۶۴) و ۳۲/۰۸ (با احتمال ۰/۱۹) و همچنین آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم باند با مقادیر ۰/۹۰- (با احتمال ۰/۳۶) و ۱/۲۴- (با احتمال ۰/۲۱) معتبر بودن متغیرهای مورد استفاده را تأیید می‌کند.

۱. از آنجا که داده‌های ایران در گزارش‌های کارآفرینی این پایگاه وجود ندارد، در این مدل، نمونه مورد بررسی بدون ایران برآورد شده است.

جدول ۳. آزادی اقتصادی و توسعه کارآفرینی (بانک جهانی)

متغیر	آزادی اقتصادی هریتیج	آزادی اقتصادی فریزر
Lnewden(-1)	۰/۰۶۵ (۰/۱۲۴)	۰/۰۶۳ (۲/۶۷)*
Lfree1	۱/۳۳ (۶/۷۸)*	-
Lfree2	-	۰/۸۸ (۴/۵۳)*
LHDI	۳/۷۲ (۷/۶۷)*	۴/۴۴ (۱۴/۹۸)*
LFDI	۰/۰۳۴ (۹/۰۶)*	۰/۰۱۷ (۳/۲۵)*
Lgovef	۰/۱۹ (۱/۸۵)***	۰/۲۳۱ (۷/۰۱)*
خودهمبستگی مرتبه اول	prob(z): ۰/۱۴ و z: -۱/۴۵	prob(z): ۰/۴۱ و z: -۰/۸۳
خودهمبستگی مرتبه دوم	prob(z): ۰/۳۶ و z: -۰/۹۰	prob(z): ۰/۲۱ و z: -۱/۲۴
سازگان	prob(chi2): ۰/۶۴ و chi2: ۲۲/۷۴	prob(chi2): ۰/۱۹ و chi2: ۳۲/۰۸

* سطح معنی داری ۱ درصد ** سطح معنی داری ۵ درصد *** سطح معنی داری ۱۰ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تأثیر میان آزادی اقتصادی و کارآفرینی در ۵۰ کشور منتخب جهان بررسی شد. با توجه به نتایج تخمین مدل‌ها، تأثیر آزادی اقتصادی بر کارآفرینی مثبت و معنی دار بود و این تأثیر مثبت در هر تمام مدل‌های برآوردی با شاخص‌های مختلف از آزادی اقتصادی و کارآفرینی دیده می‌شود. در نتیجه، آزادی اقتصادی نقش مهمی در توسعه کارآفرینی دارد. نتایج پژوهش حاضر با اغلب مطالعات پیشین مانند هال و سوبل (۲۰۰۶)، بورنسکو و فوس (۲۰۰۸)، سوبل و همکاران (۲۰۰۷)، شیمانندان (۲۰۱۵)، پاول و وبر (۲۰۱۳)، هررا-چوری و همکاران (۲۰۱۴) و گومان و همکاران (۲۰۱۳) سازگار بوده است. بهبود فضای کسب و کار و توسعه کارآفرینی لازمه توسعه و پیشرفت اقتصادی است و فضای آزاد اقتصادی موجب بهبود فضای کسب و کار و توسعه کارآفرینی می‌شود؛ بنابراین، باید به کاهش دخالت دولت و ارتقای شاخص‌های آزادی اقتصادی و اعتماد به نیروهای بازار در برنامه‌های توسعه‌ای کشور توجه شود.

ایجاد شرایط مناسب به منظور توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه اهمیت و اولویت ویژه‌ای برای برنامه‌ریزان دارد. حمایت‌های سلیقه‌ای، سیاست‌های مقطعی، تأمین مالی موقت و وضع قوانین و مقررات برای عبور از شرایط خاص موجب فعالیت‌های پایدار و بلندمدت کارآفرینانه نمی‌شود، زیرا این تحولات در افق کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد و با توجه به امکان تغییر آن همراه با تغییر تصمیم‌گیران و سیاستمداران، اعتماد کمتری در کارآفرینان ایجاد می‌کند. بنگاه‌های تولیدی و کارآفرینانه زمانی که در افق بلندمدت ایجاد می‌شود، موجب تأثیر عمیق‌تر و گسترده‌تر بر اشتغال و تولید می‌شود.

بنابراین، یکی از بهترین برنامه‌ها و اقدامات برای توسعه کارآفرینی گسترش آزادی‌های عمل فعالان اقتصادی و مداخله کمتر و کاهش تصدی‌گری دولت در فضای اقتصادی است. به این ترتیب، در صحنه بین‌المللی اقتصاد، حاکم‌بودن سازوکار بازار و آزادی نیروی‌های بازار مشاهده می‌شود. زمانی تولید و صنعت یک کشور در چنین فضایی توان رقابت پیدا می‌کند که وضعیت مشابهی در اقتصاد داخلی حکمفرما باشد. همچنین، تلاش برای رقابت در بازارهای جهانی به توسعه بیشتر کارآفرینی منجر می‌شود.

بنابراین، با توجه به زیربخش‌های آزادی اقتصادی، در قدم اول باید موانع شروع کسب‌وکار مانند زمان لازم برای اخذ مجوزهای مورد نیاز، بوروکراسی گسترده اداری و خدمات مورد نیاز کارآفرین برطرف شود. محدودیت‌ها و کنترل‌های بیش از اندازه در بازارهای مالی (مقررات خدمات مالی و بانکی) و پولی (تورم و مدیریت نقدینگی)، تجارت (نظام تعرفه‌ها) و سرمایه‌گذاری (قوانین و برخورد یکسان قانونی) نیز انگیزه‌های کارآفرینی را کاهش می‌دهد. همچنین، حضور گسترده دولت در اقتصاد از یک سو به طور مستقیم رقیب بخش خصوصی می‌شود و عملکرد کارآفرینان را مختل می‌سازد و از سوی دیگر با گسترش رانت‌ها، فساد، مقررات حجیم، اخلال در شفافیت بازارها و تضعیف حقوق مالکیت (استقلال قضایی، حمایت از حقوق مالکیت، یکپارچگی سیستم قانون‌گذاری و اجرای قانونی قراردادها) به طور غیرمستقیم توسعه فعالیت‌های کارآفرینی را با موانع جدی روبه‌رو می‌کند.

در کنار ایجاد فضای آزاد اقتصادی می‌توان توسعه انسانی را نیز از عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی و رشد اقتصادی دانست. توسعه انسانی مربوط به سطح درآمد سرانه، تحصیلات

جامعه و سلامت عمومی می‌شود که هر دوی این موارد ارتباط مستقیم با توانمندی افراد جامعه دارد. همان‌طور که گریس و نوود (۲۰۱۱) بحث می‌کنند، کارآفرینی یک عملکرد انسانی است که از توانمندی‌های کارآفرین نشئت می‌گیرد، نه اینکه به‌طور خودکار حادث شود. در مطالعات آموروس و کریستی (۲۰۱۰)، اویسی و آنیم (۲۰۱۲) و نییرا و همکاران (۲۰۱۳) نیز توسعه انسانی از عوامل مهم مؤثر بر توسعه کارآفرینی بوده است. در نتیجه، برنامه‌های ارتقای سطح و کیفیت آموزش و سلامت عمومی از این منظر نیز اولویت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

در نهایت، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز از عوامل تقویت‌کننده کارآفرینی است. این نتیجه با مطالعات فریدمن (۲۰۱۱)، بونسکو و فوس (۲۰۱۰)، کرفت و سوئل (۲۰۰۷) و داناکول (۲۰۱۳) هم‌راستا بوده است. همان‌طور که در مبانی مطالعه حاضر بحث شد، ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از یک سو منابع مالی لازم را برای کارآفرینان به همراه دارد و از سوی دیگر با انتقال فناوری، الگوهای نوین مدیریتی و فضای رقابتی فعالیت‌های کارآفرینانه را تحریک می‌کند. در نتیجه، برنامه‌ریزی در راستای نیل به این اهداف در سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این مسیر از توصیه‌های پژوهش حاضر است.

بنابراین، در کل کوچک‌سازی دولت و کاهش دخالت و حضور آن در اقتصاد، مقررات‌زدایی و نه فقط اصلاح مقررات، تطبیق قوانین تجاری با استانداردها و قوانین بین‌المللی، توجه و پایبندی به حقوق مالکیت، کاهش محدودیت‌های کسب و کار، بهبود توسعه انسانی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله پیشنهاد‌های این مطالعه است. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر دخالت‌ها، سیاست‌های دولت‌های مختلف و فعالیت‌های اقتصادی دولت بر کارآفرینی در ایران به صورت تجزیه و تحلیل میدانی بررسی شود.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۱)، کارآفرینی: تعاریف- نظریه‌ها و الگوها، انتشارات پردیس.
- حیدری چیانه، رحیم و سونیا کرمی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه انسانی ایران، مالزی و ترکیه با تأکید بر شاخص اقتصادی»، *مجله اقتصادی*، شماره ۱ و ۲: ۵-۲۲.
- سامتی، مرتضی و روح‌الله شهنازی (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیرات آزادی اقتصادی بر فساد مالی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره هشتم، شماره ۲۸: ۸۷-۱۰۵.
- صباحی، احمد و ناجی میدانی، علی‌اکبر و الهه سلیمانی (۱۳۹۲)، «بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره سوم، شماره ۱۱: ۹-۱۸.
- گجراتی، دامودار (۱۳۹۱)، *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.
- مدرسی عالم، زهره و آزاده داودی (۱۳۹۳)، «شاخص‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی و ارزیابی آن در ایران طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۹۱)»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، دوره دوم، شماره ۸: ۱۲۵-۱۴۵.
- مقیم، سیدمحمد (۱۳۸۳)، *کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- Afonso, A. & Furceri, D. (2010). "Government size, composition, volatility and economic growth", *European Journal of Political Economy*, 26(4): 517- 532.
- Aidis, R., Estrin, S. & Mickiewicz, T. (2012). "Size matters: Entrepreneurial entry and government", *Small Business Economics*, 39 (1): 119- 139.
- Apergis, N. (2015). "Economic freedom and income inequality: Further evidence from 58 countries in the long-run", *Financial Theory and Practice*, 39(4): 349- 370.
- Baltagi, B. H. (2005), *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons.
- Barro, R. J. (2013). "Health and economic growth", *Annals of Economics and Finance*, 14(2): 329- 366.
- Barzel, Y. (2005). *A theory of the state*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Baumol, W. J. (1968). "Entrepreneurship in economic theory", *The American Economic Review*, 58(2): 64- 71.
- Begley, T. M. & Boyd, D. P. (1987). "Psychological characteristics associated with performance in entrepreneurial firms and smaller businesses", *Journal of Business Venturing*, 2(1): 79- 93.
- Bjornskov, C. & Foss, N. (2008). "Economic freedom and entrepreneurial activity: Some cross-country evidence", *Public Choice*, 134 (3): 307-328.
- Chari, M. D. & Dixit, J. (2015). "Business groups and entrepreneurship in

- developing countries after reforms”, *Journal of Business Research*, 68(6): 1359- 1366.
- Choy, E. (2013). Hong Kong's economic freedom and income inequality.
- Crnogaj, K. & Bradač Hojnik, B. (2016). “Institutional determinants and entrepreneurial action”, *Management: Journal of Contemporary Management Issues*, 21(Special issue): 131- 150.
- Dau, L. A. & Cuervo-Cazurra, A. (2014). “To formalize or not to formalize: Entrepreneurship and pro-market institutions”, *Journal of Business Venturing*, 29(5): 668- 686.
- Friedman, B. A. (2011). “The relationship between governance effectiveness and entrepreneurship”, *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(17): 221- 225.
- Gali, J. (1994). “Government size and macroeconomic stability”, *European Economic Review*, 38(1): 117- 132.
- Hall, J. C. & Sobel, R. S. (2006). “Public policy and entrepreneurship”, Center for Applied Economics Technical Report, 06-0717.
- Hansen, L. P. (1982). “Large sample properties of generalized method of moments estimators”, *Econometrica*, 50 (4): 1029- 1054.
- Herrera-Echeverri, H., Haar, J. & Estévez-Bretón, J. B. (2014). “Foreign direct investment, institutional quality, economic freedom and entrepreneurship in emerging markets”, *Journal of Business Research*, 67(9): 1921- 1932.
- Islam, A. (2014). “Do government private subsidies crowd out entrepreneurship?”, *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 6917.
- Kapurja-Foreman, V. (2007). “Economic freedom and foreign direct investment in developing countries”, *The Journal of Developing Areas*, 41(1): 143-154.
- Kirzner, I. (1985). *Discovery and the capitalist process*, Chicago: University of Chicago Press.
- Kirzner, I. (1997). “Entrepreneurial discovery and the competitive market process: An Austrian approach”, *Journal of Economic Literature*, 35 (1): 60– 85.
- Knight, F. (1921). *Risk, uncertainty, and profit. Reprint 1965*, New York: Houghton Mifflin: 351- 362.
- Kopits, M. G. & Craig, M. J. (1998). *Transparency in government operations*, Washington DC: International monetary fund.
- Kotera, G., Okada, K. & Samreth, S. (2012). “Government size, democracy, and corruption: An empirical investigation”, *Economic Modelling*, 29(6): 2340-2348.

- Lazear, E. P. (2004). Balanced skills and entrepreneurship. *The American Economic Review*, 94(2), 208-211.
- Lumpkin, G. T. & Dess, G. G. (1996). "Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance", *Academy of management Review*, 21(1): 135- 172.
- Martin, S. (2004). Globalization and the natural limits of competition. *The International Handbook of Competition*: 47.
- McAusland, C. (2010). Globalization's direct and indirect effects on the environment. Globalisation, Transport and the Environment, ed. Nils A. Braathen (OECD) pp, 31-54.
- McMullen, J. S., Bagby, D. & Palich, L. E. (2008). "Economic freedom and the motivation to engage in entrepreneurial action", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(5): 875- 895.
- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Nyström, K. (2008). "The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data", *Public Choice*, 136(3- 4): 269- 282.
- Obokoh, O. L. & Asaolu, O. T. (2012). "Examination of the relationship between financial market liberalisation and the failures of small and medium sized enterprises in Nigeria", *International Business Research*, 5(1): 182- 193.
- Shahbaz, M., Khan, S., Ali, A. & Bhattacharya, M. (2015). "The Impact of Globalization on CO2 Emissions in China", MPRA Paper; No. 64450. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/64450/>
- Şimandan, R. I. (2015). "Free to enterprise: Economic freedom and entrepreneurship in Romania", *Romanian Economic Journal*, 18(56): 87- 100.
- Sobel, R. S. & Hall, J. C. (2008). "Institutions, entrepreneurship, and regional differences in economic growth", *American Journal of Entrepreneurship*, 1(1): 69- 96.
- Sobel, R. S., Clark, J. R. & Lee, D. R. (2007). "Freedom, barriers to entry, entrepreneurship, and economic progress", *The Review of Austrian Economics*, 20(4): 221- 236.
- Szirmai, A., Naudé, W., & Goedhuys, M. (2011). *Entrepreneurship, innovation, and economic development*. Oxford University Press. 10- 11.
- Themudo, N. S. (2014). "Government size, nonprofit sector strength, and corruption: A cross-national examination", *The American Review of Public Administration*, 44(3): 309- 323.

- Urbano, D. & Aparicio, S. (2016). "Entrepreneurship capital types and economic growth: International evidence", *Technological Forecasting and Social Change*, 102 (1): 34- 44.
- Wiseman, T. & Young, A. T. (2011). "Economic freedom, entrepreneurship, & income levels: Some US state-level empirics", *American Journal of Entrepreneurship*, Forthcoming.
- Wong, P. K., Ho, Y. P. & Autio, E. (2005). "Entrepreneurship, innovation and economic growth: Evidence from GEM data", *Small Business Economics*, 24(3): 335- 350.